

حسین رحیمی، پژوهشگر حوزه کتاب و کتابخوانی درباره کتاب «بانو گوهرشاد»، نوشته مرگان شیخی که در نشر قدیانی منتشر شده، می‌گوید: کهن‌سرزمین ایران، زادگاه شیرزنان نام‌آوری است که هریک در عرصه‌های مختلف کار و زندگی موفق و افتخارآفرین بوده‌اند. گوهرشاد بیگم معروف به گوهرشاد، یکی از این زنان به‌شمار می‌آید. او زنی خردمند، ادب‌دوست، اشراف‌زاده و هنرپرور بود که در عمر ۸۰ساله خود، آثار ارزشمندی را در حوزه‌های

«بانو گوهرشاد»؛ داستان زندگی انسانی هنردوست

معماری و ساخت بناهای تاریخی به‌جای گذاشت. اوافزود: کتاب بانو گوهرشاد داستان کوتاهی از زندگی این بانوی هنردوست و قدرتمند ایرانی است که در زندگی خود فرازوفرودهای بسیاری را پشت‌سر نهاده است. نویسنده اثر که اتفاقاً نویسنده برکاری در حوزه کودک و جوان محسوب می‌شود، تلاش کرده در این اثر به بهانه‌روایت زندگی گوهرشاد بانو، وقایع تاریخی آن‌را برای مخاطب خود بازگوکند. مخاطب باخواندن این کتاب باسختی‌ها،تلاش‌ها،

کارشکنی‌ها و موانع یک زن هنردوست در دوره گذشته آشنایی شود. بانو گوهرشاد، اشراف‌زاده‌ای بود که می‌توانست مانند زنان اشراف‌زاده دوره خود، عمر و زندگانی‌اش را در راه خوشگذرانی و لذت‌های دنیوی سپری کند ولی راه دیگری را انتخاب کرد و در این مسیر موفقیت‌های چشمگیری به‌دست‌آورد. این کتاب امروز ساعت ۱۷در مجتمع فرهنگی امام‌شارع) کتابخانه‌هشت‌بهشت کتاب در فرهنگسرای عتروترومایی می‌شود.



مدرنیته غربی رایک ریال هم قبول ندارم

عباس کیقبادی، شاعر آیینی می‌گوید مدرن شدن غربی را یک ریال قبول ندارد و شعر فارسی باید به سنت‌های ادبی خود وفادار باشد



آرش شافعی
کرده فرهنگ و هنر

عباس کیقبادی از شاعران خوب اصفهان است که به‌خصوص به‌خاطر شعرهای آیینی‌اش مشهور است. از مجموعه شعرهای او می‌توان به خون برگ، اینک تو در مقابل من ایستاده‌ای، من زخمی نگاه و چهل روایت از آیین‌ه اشاره کرد. به‌تازگی انتشارات سوره مهر، مجموعه جدیدی از شعرهای او را به‌نام «دخیل» منتشر کرده است که به انگیزه انتشار این مجموعه، با او هم‌کلام شدیم. او در این گفت‌وگو درباره نگاهش به شعر و مخاطب و ویژگی‌های سروده‌های مجموعه جدیدش، صحبت کرده است.

آقای آنچه در شعرهای مجموعه «دخیل» مشخص است این است که زبان شعر شما، وامدار سنت‌های ادبی ما و زبانی فحیم است. به نظر شما چقدر این نگاه به ادبیات در شعر امروز، می‌تواند از خودش دفاع و مخاطب را جذب کند یا این‌که باید به شعر با زبان سانسیتمانتال روی‌بیاوریم تا بتوانیم مخاطب جذب کنیم؟

اعتقاد من است که طرز نگاه و جهان‌بینی شاعر نو باشد، وگرنه هرچه از ابعاد مختلف زبان وام بگیریم بهتر است. یکی از این ابعاد، باستان‌گرایی است. این امر به‌غای زبان کمک می‌کند و گمان من این است که هر قدر دستور، نحو و واژگان باستانی را کمتر بزنیم، زبان را لاغرتر و بی‌مایه‌تر کرده‌ایم. تجربه شخصی من نشان می‌دهد که شعر خوب، خودش مخاطبش را پیدا می‌کند. اتفاقاً مخاطب به‌خاطر پیشینه تاریخی‌ای که از ادبیات کهن دارد، با این‌گونه شعر بهتر ارتباط برقرار می‌کند. فکر می‌کنم دلیل برخی برای انتخاب زبان سانسیتمانتال، عدم ارتباط و آشنایی با ادبیات کهن باشد. اعتقاد من این است که زبان ادبی با زبان کوچه و بازار متفاوت است و زبان یک شاعر باید با دیگر اقشار اجتماع فرق کند. این

برش



شعر امروز ایران

دو شعر از عباس کیقبادی

یا عشق

و یک الدخیل یا عشق، یک الدخیل یا عشق به کفم عصای موسی و تورود نیل یا عشق ز دو دیده جوی خون است به دامنم روانه برسان مرا از این جوی به سلسبیل یا عشق ره خون و آتش است این و رموز عقل، باطل به کدام رمز قییم در این سبیل یا عشق؟ تو کوشم‌های نمودی که یکی قلیل خواهم

اعتقاد من است واین‌که تا چه حد موفق بوده‌ام یا نظرم درست باشد، نمی‌دانم.

آقای به نظر شما برای شاعر توجه به این‌که مخاطب چقدر با شعر ارتباط برقرار کند اهمیت دارد یا اصلاً شاعر نباید کاری به مخاطب داشته باشد؟

هر هنرمندی ازجمله شاعر اثر هنری را برای مخاطب خلق می‌کند و اگر هنرمند، مخاطب نداشته باشد محکوم به فناست. ولی این‌که خودش را تا حد مخاطب پایین بیاورد، اشتباه است. وظیفه هنرمند این است که دست مخاطب را بگیرد و با خود چند پله بالاتر ببرد. اگر مخاطب در جایی از شعر با کلماتی مواجه شد که آن را نفهمید، اگر با کلیت اثر همراه باشد، آن کلمه را جست‌وجو می‌کند و با مراجعه به لغت‌نامه متوجه معنی آن می‌شود. یا اگر شاعر تکنیکی به کار برده بود که برای مخاطب ثقیل باشد، اگر ذهن و عاطفه‌اش درگیر شده باشد، درباره آن تحقیق می‌کند ولی اگر شعری، ذهن و عاطفه شاعر را درگیر نکرده باشد، برای مخاطب حتی این‌که یک بیت از شعر را کنار هم بگذارد، مهم نیست.



به‌رحال شاعر با هنرمند نباید اثرش را تا حد سلیقه مخاطب پایین بیاورد. البته خود این‌که سلیقه مخاطب را چه چیزی تعیین می‌کند هم جای بحث دارد. آیا سلیقه مخاطب اصلا معیار اثر هنری است؟ گمان من این است که مخاطب مهم است ولی نمی‌خواهم شعر را تا حد سلیقه مخاطب عام پایین بیاورم، بلکه دوست دارم مخاطب را با شعر یک پله بالاتر ببرم.

آقای یکی از جلوه‌های این دیدگاه شما در شعر، شعرهای آیینی‌تان است. این شعرها از جنس شعرهای مورد توجه هیات‌ها و محافل مذهبی و آنچه به‌عنوان شعر هیات معروف شده نیست، این تلقی من درست است؟

من بارها در هیات‌ها و محافل مذهبی شعر خوانده و با تشویق مخاطب مواجه شده‌ام و اتفاقاً این تفاوت برای مخاطب زیبا و گیراست. مسأله این است که مخاطب، چیزی جز آن خوراک ندارد و هرچه به خودش داده می‌شود از جنس همان شعر است، وگرنه مخاطب هم اگر شعر متفاوتی بشنود، مطمئناً لذت می‌برد. مثلاً همین امروز سیدحمید برقی شعر آیینی می‌گوید و شعرش در قالب قصیده هم هست و مورد استقبال مخاطب هم قرار می‌گیرد.

این نوع نگاه به شعر آیینی در شعر شاعران دیگری جز من هم هست. البته من شخص منزوی‌ای در گوشه‌ای از اصفهان هستم و شاید خیلی برای مخاطب شناخته‌شده نباشم اما شاعری مثل سیدحمیدرضا برقی با این‌که زبان شعرش باستان‌گرا و قالب آن قصیده است، مخاطب هیات و جلسات مذهبی شعرش را دوست دارد و خیلی از اهل هیات شعرش را حفظ هستند. این را هم بگویم که در اصفهان به‌خاطر بافت سنتی‌اش هنوز مداحانی هستند که طریق و مرام مداحان قدیم را دارند و مانند مرشدان قدیم، قصاید شکیب، متین و نوای اصفهانی و شاعران دیگر را حفظ هستند و مردم هم از شنیدن این شعرها لذت می‌برند و اصلاً مداحی

دو هزار نعره برخاست: انا القیتل یا عشق! همه بندگان مالند و چرندگان قلند تو بگو چه خواهی ای دل هم از این قیل یا عشق؟ کلمات شعر گنگند، زبان رقص، خوش‌تر فعلات فاعلاتین، فعلن فعیل یا عشق نه رهی به کوچه‌باغیم که شب است و بی چراغم تو برای آفتابا! تو بشو دلیل یا عشق

باقی بقای تو

سهم من از تمام جهان چشم‌های تو

باقی هر آنچه ماند، عزیزم، برای تو

من دوست دارم این‌که تو را زندگی کنم جان جهان و هرچه به جز من فدای تو

راکه قصیده نخواند به مداحی قبول ندارد. این سلیقه و نگاه مخاطب را خود هنرمند ایجاد می‌کند و خودما به‌عنوان شاعر و هنرمند شاید به دلیل ساده‌انگاری یا راحت‌طلبی یا موج‌گرایی، به این سلیقه دامن می‌زنیم. در طول زمان، چقدر موج‌های مختلف در شعر مد شده است ولی شاعرانی داریم که حد‌وسط هستند، آنها نه از این سمت بام افتاده‌اند و نه از آن سوی بام، آنها نواگرایی‌ها را هضم کرده‌اند و باسنت‌گروه زده و در شاهراه اصلی ادبیات قدم زده‌اند. البته باید با تأسف گفت در ادبیات ما به آدم‌های اصیل و اصلی ادبیات ظلم می‌شود. مثلاً در دهه ۳۰ اتفاقات عجیب‌وغریب در زندگی ما روی داده و چاپ شده است. وقتی به چهارپاره‌های آن کتاب نگاه می‌کنیم یا مثنوی معروف عقاب او را می‌خوانیم، می‌بینیم چقدر شاعر خوبی بوده است، یا شعر دکتر مهدی حمیدی شیرازی مثلاً شعر «بت‌شکن بابل» را ببینید، روایت چقدر مدرن است ولی درعین حال زبان باستان‌گرایانه و متکی به سنت‌های ادبی ماست و حتی گاهی حکمت‌های شعرش به مولانا پهلوی می‌زند. من خودم مدرن بودن را به این معنی که صددرصد نگاه و نظریه‌های غربی‌ها در شعر ما پیاده شود، یک ریال هم قبول ندارم. شاعر ایرانی و غربی نگاه، جهان‌بینی و جهان زبسته‌اش یا شاعر غربی زمین تا آسمان متفاوت است. تفکر، شناخت و جهان زبسته من باعث شده نگاهی به شعر داشته باشم که در واژگانم تجلی پیدا کرده است.

آقای یک نکته دیگر در شعر شما این است که وقتی از بیرون به این شعر نگاه می‌کنید، غالب شعرها آیینی یا عاشقانه است. احساس می‌شود توجهی به مسائل اجتماعی نباید داشته باشد، ولی وقتی برخی بیت‌های شما را که در آن به وضعیت امروز اصفهان پیچیده در تصویر و صنایع ادبی اشاره می‌شود نگاه می‌کنیم، می‌بینیم این شعر از جنسی که به آن عموماً

شعر اجتماعی گفته می‌شود نیست ولی درعین حال به مضضلات اجتماعی و مشکلات این شهر توجه دارد. به نظر شما ما واقعاً چقدر شعر اجتماعی داریم و چقدر به اسم شعر اجتماعی شعار می‌دهیم؟

این کتاب گزیده‌ای از شعرهای من است و همه آثار من نیست. حرفی که می‌زنید کاملاً درست است. نگاه شاعر به هر موضوعی باید هنری باشد، ما نه جامعه‌شناسیم، نه روان شناس و نه هیچ چیز دیگرشناس و درعین حال شاعر باید همه اینها باشد، ولی باید در لایه‌های زیرین و پنهان شعر از آنها صحبت شود. اگر شما به چنین نگاهی در این مجموعه رسید‌ه‌اید خوشحالم ولی خودم هم به مسائل اجتماعی توجه دارم و شعرهای بالاخص اجتماعی کم ندارم. به‌رحال شاعر در اجتماع زندگی می‌کند و آیین‌ه جامعه خودش است. مگر می‌شود به اجتماع توجه نداشته باشد؟ در این ۴۰۵۰ سال که از خدا عمر گرفته‌ایم شاید به اندازه ۵۰۰ سال اتفاقات عجیب‌وغریب در زندگی ما روی داده و جهان زیر و رو شده است و مگر می‌شود در این حوادث و این بالا و پایین شدن‌های زندگی، شاعر هیچ تأثیری نداشته باشد؟ بعضی وقت‌ها من سهراب را که می‌خوانم، شگفت زده می‌شوم که این آدم در چه جهانی زندگی می‌کرده است که هیچ انسانی در شعرش حضور ندارد؟ این خیلی تعجب‌برانگیز است. نگاه من خیلی وقت‌ها به مسائل اجتماعی است و خودم خیلی دغدغه شعر اجتماعی دارم ولی همچنان که گفتم این مجموعه به‌خاطر این‌که انتخاب شده است، شعرهای خاص اجتماعی در آن نیست. البته این نگاه از بعد شعاری نیست. مثلاً چهارپارهای درباره چهارباغ دارم که در آن زمان در حال گذر است و از سی‌وسه‌یل، پل خواجه و دیگر المان‌های شهر اصفهان استفاده کرده‌ام و اینها تشخیص پیدا می‌کنند و به زبان درمی‌آیند و درد مردم بیان می‌شود. مثلاً سی‌وسه‌یل، سی‌وسه چشم می‌شود که گریه می‌کند. منی که روزهای آبادی و برایی زاینده‌رود را دیده‌ام، وقتی کنار زاینده‌رود خشک قدم می‌زنم و دغدغه‌های مردم را می‌بینم، برایم دردناک است.

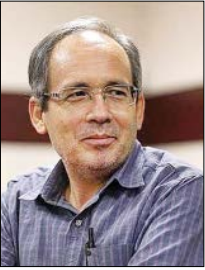


بادیکارهای بی‌بی

تفکر مهبوینستی سده هاست که با رخنه در ادیان و جوامع، منافع خود را تأمین می‌کند. از پرهم‌زدن دین توحیدی یهودیان پیرو موسی کلیم...، استحاله دین مسیحیت با ارجاع به دوران عصر یونان، ایجاد فرقه‌های ضاله در اسلام و حمایت از آنها تا نفوذ در جوامع غرب و ایجاد فرهنگ‌های نوظهور شیطانی تنها گوشه‌ای از این نکرش میونی است. حتی امروز هم می‌توان دید که این جنایتکاران چنان نفوذی در آمریکا و برخی از کشورهای غربی دارند، که آنها به‌عنوان بادیکارهای ناتنیا هو از نسل‌کشی این جنایتکار جنگی حمایت می‌کنند.

راهکارهایی برای جایگاه شایسته نوبل ایرانی

یوسف قوجق نویسنده در گفت‌وگو با فارس با اشاره به آیین نامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره جایزه جلال آل احمد گفت: این جایزه باید ۱۱ آذر، همزمان با زادروز جلال آل احمد برگزار شود. باین حال در سال‌های گذشته، مراسم اختتامیه با تأخیرهایی همراه بوده است. این تأخیرها ممکن است مقداری به اعتبار و نظم جایزه آسیب برساند و اعتماد نویسندگان و جامعه ادبی را تحت تأثیر قرار دهد. فکر می‌کنم برای حفظ اعتبار و جایگاه این جایزه، ضروری است که برنامه‌ریزی‌ها با دقت بیشتری انجام و تلاش شود تا مراسم در زمان مقرر برگزار شود. چون این جایزه به‌عنوان گران‌ترین جایزه ادبی ایران شناخته می‌شود و برخی آن را معادل نوبل ادبیات ایرانی می‌دانند که به نظرم تعبیر درستی هم هست. وی گفت: برگزاری مراسم در تاریخ مشخص و تعیین شده (۱۱ آذر) برای افزایش اعتماد و نظم براساس آیین نامه، اعلام جدول زمانی فراخوان، داوری و اختتامیه در ابتدای هر دوره و پایبندی به آن، انتخاب داوران متخصص و باتجربه برای تضمین انتخاب‌های عادلانه و منصفانه و با کیفیت، به‌روزرسانی معیارهای داوری و انتخاب آثار متناسب با تغییرات ادبیات معاصر کشور، ازجمله راهکارهایی است که می‌تواند این جایزه را به جایگاه شایسته خود برگرداند.



بررسی نقش آل احمد در ادبیات معاصر

همزمان با یکصدویکمین سالروز تولد جلال آل احمد، نویسنده نامدار معاصر، نشست تخصصی از ساعت ۱۴ تا ۱۶ روز یکشنبه ۱۱ آذر، همزمان با سالروز تولد جلال آل احمد با حضور تعدادی از نویسندگان و استادان ادبیات فارسی در محل خانه - موزه سیمین و جلال برگزار می‌شود. خانه - موزه سیمین و جلال (واقع در دزاشیب - خیابان شهید رمضانی - کوچه سیمین دانشور - بی‌ست ارض) یک نهاد فرهنگی همگانی، تحت مدیریت شرکت توسعه فضاهای فرهنگی وابسته به شهرداری تهران است که از سال ۱۳۹۷ گشایش یافته و طی این مدت، به مناسبت‌های گوناگون همایش‌ها و نشست‌های تخصصی ویژه‌ای را برگزار کرده است. براساس این گزارش، از هنرمندان و فعالان در حوزه‌های مختلف هنر و ادبیات (عکاسی، طراحی، نقاشی، شعر و سرود، موسیقی، داستان، مقاله، نمایشنامه و...) دعوت شده است در صورت تمایل، نسخه‌ای از آثار هنری تازه خود را به خانه - موزه سیمین و جلال ارسال کنند. آثار دریافتی پس بررسی و ارزیابی به تفکیک رده‌های سنی مختلف، در همایش‌ها و نمایشگاه‌هایی که برگزار خواهد شد، در معرض دید همگان قرار خواهد گرفت و از زندانگان آثار هنری نیز برتر قدرانی به عمل خواهد آمد.



نشست

قاب مقاومت

گزارش

کتاب‌های مقاومت به خانه تک‌تک مردم لبنان راه یافت



در مراسم پاسداشت مجاهدت‌های رزمندگان حزب... لبنان شامگاه دوشنبه در حوزه هنری انقلاب اسلامی، از کتاب «عاید» رونمایی شد.

سید عبدا... صفی‌الدین، مسئول دفتر حزب... لبنان در تهران در این مراسم گفت: حوزه هنری در موضوع مقاومت شریک اصلی نهضت مقاومت است. بحث هنر و ثبت تاریخ مربوط به شهدای مقاومت، کار ارزشمند و مهمی است.

وی افزود: در لبنان نیز کتاب‌هایی با موضوع شهدای هشت سال دفاع مقدس، مدافعان حرم و شهدای مقاومت، تک‌تک به منازل مردم لبنان و منطقه رفته است. اثر این کار مشترک که اصل آن از این حوزه آغاز شد، در پیشرفت مقاومت و فهم جامعه اسلامی از مقاومت در لبنان و منطقه قابل شرح نیست. به نظرم گاهی عکسی که با احساس و از علق وجود گرفته شود، معادل چندین جلسه سخنرانی تأثیر دارد، چون که هنر کلمه بزرگی است.

مسئول دفتر حزب... لبنان در تهران عنوان کرد: سیدحسن نصرا... هنرمند بزرگی بود و با صبوری نقشه بزرگی تهیه کرد که امروز همه دنیا آن را دوست دارند. با صنعت نشر، عشق، اعتقاد و با تحمل زیاد افرادی را که حتی باور نداریم، می‌توانیم جذب کنیم و به آنها درباره مقاومت اطلاعات درست بدهیم. مطمئناً دوستان مان در حوزه هنری ابتکار عمل را به دست گرفته‌اند، ابتکار عمل در یحث حوزه مقاومت بسیار مهم است. ثبت و نشر آنچه در جنوب لبنان رخ داده و تلاش دشمن در حذف ما از یک طرف و معجزه حزب... و مقاومت از سوی دیگر، روایت این روزهای لبنان است.

به گزارش اینبا، محمدمهدی دادمان، رئیس حوزه هنری در ادامه این مراسم گفت: سنت روایت و تصویرسازی از انسان انقلاب اسلامی و مقاومت، دهه ۶۰ در حوزه هنری شکل گرفت. ما با جلوه انقلاب اسلامی احیای دوباره انسان را مشاهده کردیم. انسان در معنای الهی و فطری بار دیگر و در نقطه دیگر تاریخ، فرصت کرد تا همه زیبایی‌هایش را جلوه دهد و اهل فرهنگ و هنر خیلی زود دریافتند که این جلوه انسانی باید از نو برای همه روایت شود.

او ادامه داد: فهم جمعی به مدد نسل اول ادبیات مقاومت ایجاد شد، امروز در ادبیات مقاومت برای روایت انسان مقاومت مرز نداریم! انسان لبنانی، یمنی، عراقی، سوری و فلسطینی. انقلاب اسلامی نه‌تنها در ایران که در همه گستره‌ها از نو انسان را احیا کرد. ادبیات مقاومت اگر می‌خواهد بدرخشد، باید سراغ انسان مقاومت در بیرون از مرزهای ایران برود. رئیس حوزه هنری اظهار کرد: عاید‌ه روایت یک مادر لبنانی از داستان خودش و فرزند شهیدش است. او از نخستین جوان‌های مقاومت بدون مرز است. امیدواریم این مرحله از ادبیات مقاومت مانند مرحله نخست درخشان و پرثمر باشد و به سراغ ادبیات غیرایرانی رفته، به‌سرعت بجوشد، گسترش پیدا کند و منشأ خیر و برکت باشد.

عایده سرور، مادر شهید عباس علی در بخش پایانی این برنامه گفت: درباره آنچه‌که در قلمم هست، نمی‌توانم صحبت کنم اما این کلمات کوتاه را بپذیرا باشید. هرچقدر هم بخواهم با کلمات بازی کنم، نمی‌توانم. از مجاهدت ایرانی‌ها تشکر می‌کنم. هیچ وقت تصور نمی‌کردم در ایران باشم اما امروز این روایت‌حق پیدا کرد. او افزود: من یک بار پسرم را در خواب دیدم و پسرم در خواب به من گفت که روزی در ایران در حضور افراد مهمی هستیم و الان متوجه می‌شوم که شهدا همگی اهل عرفان و زنده‌اند و همه آنها عاشق امام حسین (ع) بودند که به دعوت او لوبیک گفتند و شهید شدند.

